

إثنا عشر رسالة

[22] شأنك فلما فرع قال له رسول الله صلى الله عليه وآله حاجتك قال الجنة فاطرف رسول الله صلى الله عليه وآله ثم قال نعم فلما لي قال له يا عبد الله اعنا بطول السجود بسند صحيح از عبد الله بن سنان از مولای ما ابی عبد الله بن سنان از مولای ما ابی عبد الله الصادق علیه السلام فرمود که مردی گذشت بر نبی صلی الله علیه وآله در حالتی که بعمل بعضی از حجرات خود مشغول بود پس گفت یا رسول الله میخوام من که باین خدمت مشغول شوم و جناب ترا کفایت کنم ازین عمل پس رسول صلی الله علیه وآله باو گفت شأنک و تقدیر کلام آنست که اسان شأنک أي اعلم ما تحسنه یعنی قصد امر خود کن و بعمل آر آنچه او را میدانی پس آنشخص مشغول عمل شد و چون از تمام آن عمل فارغ شد رسول صلی الله علیه وآله باو گفت که حاجت خود را ذکر کن تا با نجاج مقرون شود گفت حاجت من آنست که شفاعت من کنی و بهشت را از برای من ضامن باشی پس رسول صلی الله علیه وآله سر بزیر افکند ساعتی نظر بر زمین داشت پس سر بر آورده گفت آری قبول کردم پس چون آنشخص به نشست بجانب آنحضرت کرده روی براه خود آورد سید اولین و آخرین ندا کرد او را و گفت أي بنده الله تعالی تو نیز ما را اعانت کن در باره شفاعت خود بدرازی سجود و مراد التزام تکرار ذکر و مواظبت بر دعا مأثور در سجده نماز واجبی است
